

نکته



توجیه ترسناک وزارت کشاورزی

افزایش قیمت نهاده‌های دامی و نسبیت دادن آن به حذف ارز ترجیحی، اگر چه از منظر اقتصادی قابل تحلیل است، اما از منظر مدیریتی نمی‌تواند بیه عنوان یک پاس‌خ قانع‌کننده پذیرفته شود. هنگامی که وزارت جهاد کشاورزی رشد هزینه‌ها را نتیجه حذف ارز ترجیحی معرفی می‌کند، در واقع به تصمیمی اشناسره دارد که خود دولت آن را اتخاذ کرده‌است. بنابراین عجیب به نظر می‌رسد که بخشی از دولت، پیامدهای سیاستی را که در ساختار حاکمیت تصویب و اجرا شده است، به گونه‌ای روایت کند که گویی عامل بی‌رونی و تحمیل‌شده‌ای بوده است. حذف ارز ترجیحی از ابتدا تصمیمی پرهزینه و حساس به شمار می‌رفت و بسیاری از کارشناسان اقتصادی نیز بارها هشدار داده بودند که آزادسازی قیمت نهاده‌ها، بدون طراحی سازوکار حمایتی، مستقیماً به افزایش هزینه تولید در بخش کشاورزی و دامپروری منجر خواهد شد. همین اتفاق اکنون رخ داده و آثار آن به شکل گرانی گوشت، لبنیات و سایر اقلام اساسی در سفره مردم نمایان شده‌است. در چنین شرایطی، بیان این نکته که گرانی‌ها ناشی از حذف ارز ترجیحی است، توضیح قابل‌قبولی محسوب نمی‌شود و مسئله اصلی آن است که چرا برای چنین روزی چاره‌اندیشی مؤثر صورت نگرفته‌است.

■ **مسئولیت پذیری، حلقه مفقوده سیاست‌گذاری**

دولت نمی‌تواند در زمان اتخاذ تصمیم، نقش سیاست‌گذار را برعهده بگیرد و هنگام بروز تبعات اقتصادی، خود را صرفاً ناظر معرفی کند. حذف ارز ترجیحی، بخشی از یک سیاست کلان اقتصادی بود و طبیعتاً تمام دستگاه‌های اجرایی باید آثار آن را پیش‌بینی می‌کردند. اگر قرار باشد هر بخشی از دولت، مشکلات امروز را به تصمیم‌دیروز همان دولت نسبت دهد، عملاً مفهوم مسئولیت‌پذیری در نظام اجرایی از بین خواهد رفت. می‌دانیم اقتصاد کشورمان بیش از هر چیز از نبود انسجام در سیاست‌گذاری آسیب داند هنگامی که سیاست‌ها با آثار توری می‌اجرا می‌شود، هم‌زمان بسته‌های برای آینده برنامه‌ریزی کنند که دولت در قبال تصمیم‌های خود پاسخگو باشد. بیان دلایل تکراری درباره گرانی‌ها، بدون ارائه راهکار مشخص، فقط به افزایش بی‌اعتمادی عمومی منجر می‌شود و طبعاً مردم انتظار دارند هنگامی که سیاست‌ها با آثار توری می‌اجرا می‌شود، هم‌زمان بسته‌های حمایتی، تسهیلات تولید و ابزارهای کنترل بازار نیز طراحی شود. امروز دامدار با افزایش هزینه خوراک دام مواجه است، تولیدکننده مواد غذایی با رشد قیمت تمام‌شده دست‌وپنجه نرم می‌کند و مصرف‌کننده نیز توان خرید گذشته را ندارد. این زنجیره نتیجه تصمیمی است که باید برای تبعات آن از پیش برنامه‌ریزی می‌شد. بنابراین اقتصاد را نمی‌توان با تصمیم‌های مقطعی و بدون پیوست اجرایی اداره کرد و حواله دادن آن به شرایط جنگی هم به هیچ وجه قابل قبول نیست.

■ **گرانی با توجیه مهار نمی‌شود**

ادامه این روند می‌تواند پیامدهای سنگین‌تری برای اقتصاد و معیشت جامعه ایجاد کند. اگر هر موج گرانی با این استدلال توجیه شود که حذف ارز ترجیحی با افزایش هزینه‌ها عامل اصلی بوده است، در عمل هیچ نقطه پایانی برای رشد قیمت‌ها باقی نخواهد ماند. در چنین وضعیتی، تولیدکننده نیز امنیت روانی و اقتصادی خود را دست می‌دهد، زیرا می‌داند سیاست‌ها فاقد ثبات و آینده‌نگری لازم هستند. اکنون مهم‌ترین وظیفه دستگاه‌های مسئول مخصوصاً وزارت جهاد کشاورزی، پذیرش مسئولیت و حرکت به سمت جبران آثار سیاست‌های پیشین است. حمایت هدفمند از تولیدکنندگان، اصلاح نظام توزیع نهاده‌ها، کاهش واسطه‌گری، تسهیل واردات مواد اولیه و طراحی یارانه‌های مؤثر برای اقشار آسیب‌پذیر، بخشی از اقداماتی است که می‌تواند فشار موجود را کاهش دهد. طبعاً اقتصاد کشورمان بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌های دقیق، منسجم و مسئولانه نیاز دارد. وزارت جهاد کشاورزی باید بپذیرد که توفیق حاصل در باره منشأ گرانی، جایگزین حل مسئله نمی‌شود و جامعه‌ا مسئولان انتظار دارد راهکار ارائه کنند، نه اینکه بخشی از دولت، تبعات تصمیم دولت را صرفاً روایت کند. اگر قرار باشد هر بحران اقتصادی با رایج به گذشته توجیه شود، در نهایت سنگ روی سنگ بند نخواهد شد.

خبر کوتاه

تا پایان تابستان رقم می‌خورد

افزایش ۱۱ هزار مگاواتی ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر

رئیس سنا تا گفت: برنامه‌ریزی سنگینی انجام شده تا ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور از حدود ۵ هزار مگاوات فعلی تا پایان تابستان به ۱۱ هزار مگاوات افزایش یابد. به گزارش سرویس مطبوعه، حسن طربل، معاون وزیر نیرو و رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و انرژی نو (سائیا) با اشاره به بازدیدهای انجام‌شده از این مجموعه تولیدی و برگزاری جلسات متعدد کارشناسی، اظهار داشت: امیدواریم فرآیند ساخت تجهیزات نیز بلافاصله آغاز شود تا بر اساس زمان‌بندی تعیین‌شده، تحویل کالا و پرداخت‌ها به‌صورت منظم دنبال شود.

وی با بیان اینکه امروز یکی از مهم‌ترین چالش‌های پروژه‌های نیروگاه خورشیدی، موضوع ترانس و بسته‌های برق است، افزود: برنامه‌ریزی سنگینی انجام شده تا ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور از حدود هزار مگاوات فعلی تا پایان تابستان به ۱۱ هزار مگاوات افزایش یابد. معاون وزیر نیرو ادامه داد: این تفاهم‌نامه موجب درگیر شدن گسترده‌تر توان داخل در زنجیره توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر خواهد شد و محصولات مورد نیاز این حوزه به‌صورت گسترده‌ا تولیدکنندگان داخلی تأمین می‌شود. رئیس سنا با اشاره به تأمین منابع مالی این طرح از محل صندوق توسعه ملی گفت: برآورد اولیه اجرای این تفاهم‌نامه بین ۴۱ تا ۵۱ میلیون دلار است و این رقم قابلیت افزایش تا ۵۲ میلیون دلار را نیز دارد.

وی خاطر نشان کرد: در صورت اجرای موفق، این همکاری قابلیت توسعه بیشتری خواهد داشت و می‌تواند کشور را از واردات تجهیزات مورد نیاز حوزه تجدیدپذیری بی‌نیاز کند. طرزطلب همچنین با اشاره به ضرورت تسریع در اجرای پروژه‌ها تصریح کرد: این مجموعه‌های داخلی بتوانند نیاز پروژه‌های تجدیدپذیر را تأمین کنند، تمامی منابع این حوزه به سمت تولید داخل هدایت خواهد شد؛ موضوعی که هم در سطوح ولتاژ پایین و هم پروژه‌های بزرگ مورد توجه قرار گرفته‌است.

ظاهراً بنای نیست بازار لبنیات از حالت شیر توشیری خارج شود و افزایش ۳۰ درصدی نرخ خرید شیر خام نیز مزید بر علت شده و این بازار را وارد دور تازه‌ای از گرانی کرده استست که در آن تولیدکننده از رشد هزینه‌ها سخن می‌گوید و مصرف‌کننده از سفره‌ای که هر روز کوچک‌تر می‌شود. افت سرانه مصرف لبنیات به حدود ۶۰ کیلوگرم در سال، افزایش مرجوعی فروشگاه‌ها و تداوم رشد قیمت‌ها به ما می‌گوید سازوکار بازار به تنهایی توان تنظیم این بخش را ندارد و دیگر حنای داستان نامرئی رنگ ندارد و باید آدم اسمیت هم چنین گره‌ای گشودن نمی‌شود، مگر آنکه دولت برای حمایت هم‌زمان از تولید و مصرف ورود کند و هرگز هم جمله «پول ندارم» را استفاده نکند، چون این گزاره اذعان به ناتوانی مدیریتی است. ■ ■ ■

افزایش قیمت لبنیات از یک تغییر مقطعی عبور کرده و به روندی فرساینده برای اقتصاد خانوار تبدیل شده است، به طوری که تازه‌ترین تصمیم برای تعیین نرخ هر کیلوگرم شیر خام در محدوده ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومان، موج جدیدی از افزایش قیمت فرآورده‌های لبنی را به بازار فرستاده است. اگرچه از نگاه دامداران و تولیدکنندگان اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، اما برای مصرف‌کننده‌ای که قدرت خریدش کاهش یافته، به معنای عقب‌نشینی بیشتر لبنیات از سفره خانوار است. واقعیت این است که تولید شیر خام دیگر با هزینه‌های سال‌های گذشته ممکن نیست، چرا که نهاده‌های دامی، هزینه حمل‌ونقل، انرژی، دستمزد و هزینه‌های بسته‌بندی رشد قابل توجهی داشته‌اند و تولیدکننده معتقد است ادامه فعالیت با نرخ‌های قبلی، زیان‌انباشته را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، افزایش نرخ خرید شیر خام از نگاه فعالان این بخش تلاشی برای حفظ تولید و جلوگیری از تعطیلی واحدهای دامداری تلقی می‌شود.

با این حال، سوی دیگر ماجرا بیه مصرف‌کننده‌ای بازمی‌گردد که در آدم او متناسب با تورم رشد نکرده است. کاهش مصرف لبنیات اکنون به مرحله هشدار رسیده است و اما هاش نشان می‌دهد سرانه مصرف که ۶۰ تا ۶۵ کیلوگرم سقوط کرده‌است. این کاهش فراتر از تغییر در الگوی خرید، نشانه‌ای از افت کیفیت و تهدیدی در وضعیت متنقاض قرار گیر، به طوری که افزایش مرجوعی فروشگاه‌ها نیز نشانه دیگری از همین وضعیت است. هنگامی که بخشی از محصولات لبنی دلیل کاهش تقاضا از فروشگاه‌ها بازمی‌گردد، معنای آن این است که تقاضا از توان خرید برخی از جامعه عبور کرده‌اند. با وجود این، تولیدکنندگان می‌گویند حاشیه سود صنعت لبنیات آن قدر محدود شده است که امکان کاهش قیمت وجود ندارد. از نگاه آنان، بخش عمده قیمت تمام‌شده به شیر خام مربوط

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۵۳۳



این روزها «شیر توشیر» در بازار لبنیات تعبیر می‌شود

شیر سفره‌ها آب می‌شود!

سرانه مصرف شیر از حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ کیلوگرم در سال – به حدود ۶۰ تا ۶۵ کیلوگرم رسیده است

می‌شود و رشد نرخ خرید شیر، به طور مستقیم هزینه تولید را بالا می‌برد.

در این میان، بازار لبنیات به وضعیتی رسیده است که منطق کلاسیک عرضه و تقاضا دیگر به تنهایی قادر به تنظیم آن نیست. در بسیاری از بازارها، کاهش تقاضا به افت قیمت منجر می‌شود، اما در صنعت لبنیات چنین اتفاق رخ نداده است، زیرا تولیدکننده با هزینه‌هایی

مواجه است که حتی در صورت افت فروش نیز کاهش پیدا نمی‌کند. همین مسئله هم سبب شده است، بازار در وضعیتی متناقض قرار بگیرد، به طوری که تولیدکننده از زیان و مصرف‌کننده از ناتوانی در خرید سخن می‌گویند.

■ **بازار بدون سیاست حمایتی تنظیم نمی‌شود**

ادامه این وضعیت یادآور می‌شود که مسئله لبنیات صرفاً یک موضوع صنفی یا تجاری نیست و به مسئله‌ای اجتماعی و حاکمیتی تبدیل شده است. طبعاً هنگامی که کالایی اساسی از سفره خانوار حذف می‌شود، دولت ناگزیر است نقش فعال‌تری در تنظیم بازار ایفا کند.



سریع بازار بدون نظارت مؤثر، نگرانی‌هایی جدی ایجاد کرد. مهم‌ترین دغدغه، موضوع پشتوانه واقعی طلای فروخته‌شده بود. در بخشی از بازار این نگرانی وجود داشت که برخی سکو‌ها بیش از میزان طلای موجود اقدام به فروش کنند. در چنین شرایطی، بدیهی بود اخلال در نقدینگی با هجوم کاربران برای دریافت طلای فیزیکی می‌توانست بازار را با اختلال مواجه کند.

از سوی دیگر، حجم بالای گردش مالی این سکو‌ها، حساسیت نهادهای پولی و مالی را افزایش داد. بنابراین معاملات برخط طلا به تدریج به بخشی از جریان نقدینگی کشور تبدیل شد و همین موضوع لزوم نظارت بانک مرکزی را پررنگ‌تر کرد. ورود مستقیم این نهاد به فرآیند صدور مجوز را می‌توان تلاشی برای مدیریت ریسک و افزایش شفافیت در این بازار دانست.

اقدام غیر اداری سازمان اداری

اعلام اقام پایین بهروری بدون توضیح درباره نقش دستگاه متولی در تغییر این روند، بیشتر به ثبت وضعیت موجود شباهت دارد



اقدام برای حل آن فاصله طولانی ایجاد شود و تکرار مستمر مشکلات، بدون ارائه شاخص‌های قابل سنجش از اصلاح، به تدریج اعتماد به کارآمدی نهادهای مسئول را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی، گزارش‌های کلی درباره ضرورت ساده‌سازی یا هوشمندسازی، جایگزین سیاست اجرایی مشخص می‌شود و مسئله در سطح شعار باقی می‌ماند.

در همین چارچوب، انتشار آمارهایی درباره رشد ناچیز بهره‌وری در چند دهه اخیر، اگر چه می‌تواند نمایی از وضعیت کلی ارائه دهد، اما زمانی ارزش سیاسی پیدا می‌کند که به برنامه عملیاتی متصل شود. بنابراین اعلام ارقام پایین بهره‌وری بدون توضیح درباره نقش دستگاه متولی در تغییر این روند، بیشتر به ثبت وضعیت موجود شباهت دارد.

از طرفی مسئولیت در ساختار اداری زمانی معنا پیدا می‌کند که خروجی قابل اندازه‌گیری وجود داشته باشد. اگر نه‌های مأمور اصلاح فرآیندهاست، انتظار می‌رود مشخص شود چه تعداد فرآیند ساده‌سازی شده، چه میزان از موازی‌کاری‌ها حذف شده و کدام بخش این شاخص‌ها، گزارش‌ها در سطح تحلیل باقی می‌ماند و از حوزه اقدام فاصله می‌گیرد.

همچنین می‌دانیم دیوان‌سالاری پیچیده نتیجه یک تصمیم مقطعی نیست، بلکه حاصل انباشت سال‌ها عدم اصلاح ساختار است. در چنین شرایطی، مسئولیتی که امروز بر عهده متولی نظام اداری

د

دامدار برای ادامه تولید به قیمت واقعی و مصرف‌کننده برای حفظ حداقل استانداردها و تغذیه به قیمت قابل دسترس نیاز دارد. اگر این شکاف بدون مداخله سیاستگذار عمیق‌تر شود، نتیجه آن بازاری خواهد بود که در آن تولیدکننده از سود و مصرف‌کننده از کالا محروم می‌شود و وضعیتی خواهد بود که بیش از هر چیز به «شیر توشیر» شباهت دارد

گرانی کاهش یافته است.

موضوع مهم دیگر، شفافیت در زنجیره قیمت‌گذاری است. مصرف‌کننده امروز نمی‌داند چه میزان از افزایش قیمت لبنیات به رشد هزینه تولید مربوط است و چه بخشی ناشی از ناکارآمدی شبکه توزیع، هزینه‌های سربار یا ضعف نظارت است. انتشار جزئیات قیمت تمام‌شده و ایجاد شفافیت در فرآیند توزیع می‌تواند تا حد زیادی مانع شکل‌گیری بدبینی‌ها شود.

■ **لبنیات از سفره مردم حذف می‌شود**

ادامه کاهش مصرف لبنیات، تعائنی فراتر از اقتصاد خنوار خواهد داشت. افزایش بیماری‌های ناشی از سوء‌تغذیه، رشد هزینه‌های درمان و کاهش کیفیت سلامت عمومی از جمله پیامدهایی است که در سال‌های آینده خود را نشان خواهد داد و طبعاً هزینه‌های سنگینی دیگری روی دست دولت می‌گذارد. به طوری که حذف تدریجی لبنیات از سفره خانوارهای کم‌درآمد، در واقع انتقال هزینه از بخش غذا به بخش درمان است که در نهایت دوباره به اقتصاد کشور تحمیل می‌شود.

در چنین وضعیتی، استاندارد به کمبود منابع مالی برای توجیه نبود حمایت، بیش از آنکه یک پاس‌خ اقتصادی باشد، نشانه ضعف در سیاستگذاری است. دولت‌ها وظیفه دارند برای کالاهای اساسی و راهبردی، سازوکارهای پایدار حمایتی طراحی کنند و از قضا مدیرت اقتصادی دقیقاً در همین نقطه معنا پیدا می‌کند که باید میان حفظ تولید، کنترل تورم و حمایت از معیشت جامعه تعادل ایجاد شود.

صنعت لبنیات امروز در میانه یک دوراهی قرار گرفته است. دامدار برای ادامه تولید به قیمت واقعی و مصرف‌کننده برای حفظ حداقل استاندارد تغذیه به قیمت قابل دسترس نیاز دارد. اگر این شکاف بدون مداخله سیاستگذار عمیق‌تر شود، نتیجه آن بازاری خواهد بود که در آن تولیدکننده از سود و مصرف‌کننده از کالا محروم می‌شود و وضعیتی خواهد بود که بیش از هر چیز به «شیر توشیر» شباهت دارد، یعنی بازاری آشفته‌تر که در آن هیچ‌یک از طرف‌ها احساس رضایت ندارند و هزینه تنهایی آن را جامعه می‌پردازد.

بر همین اساس، صرف صدور مجوز نمی‌تواند به

تنهایی ضامن امنیت بازار باشد و کارشناسان معتقدند موفقیت این سیاست به نحوه اجرای نظارت بستگی دارد. شفاف‌سازی درباره میزان ذخایر طلا، تعیین سازوکار دقیق نگهداری دارایی کاربران، امکان تحویل فیزیکی طلا و انتشار گزارش‌های دوره‌ای از عملکرد سکو‌ها، از جمله اقداماتی است که می‌تواند اعتماد عمومی را تقویت کند.

در کنار این موضوع، آموزش مالی کاربران نیز اهمیت زیادی دارد. بخشی از مردم بدون شناخت کافی وارد بازارهای برخط می‌شوند و صرفاً تحت تأثیر تبلیغات تصمیم‌گیری می‌کنند. در چنین شرایطی، احتمال بروز رفتارهای هیجانی و زیان مالی افزایش می‌یابد. بنابراین توسعه بازارهای برخط بدون ارتقای سواد

مالی، می‌تواند آسیب‌پذیری سرمایه‌گذاران خرد را بیشتر کند.

بنابراین بازگشت صدور مجوز معاملات برخط طلا را نمی‌توان نشانه‌ای از تلاش سیاستگذار برای پذیرش واقعیت اقتصاد دیجیتال دانست. تقاضا برای خرید برخط طلا در اقتصاد توری کشورمان کاهش نخواهد یافت و محدود‌سازی کامل ایسن بازار نیز عملاً امکان‌پذیر نیست. از همین رو، حرکت به سمت ساماندهی و نظارت رسمی، نسبت به رهاسازی یا برخورد مقطعی، تصمیمی واقع‌بینانه‌تر به نظر می‌رسد. اکنون مهم‌ترین مسئله، نحوه اجرای این سیاست است. از نظرات به شکل مؤثر انجام شود، بازار برخط طلا می‌تواند به بستری شفاف و قانونمند برای سرمایه‌گذاری خرد تبدیل شود. در غیر این صورت، بازار گشت‌یابی ضابطه‌سکو‌ها ممکن است دوباره همان تگرانی‌های قدیمی را به بازار بازگرداند.